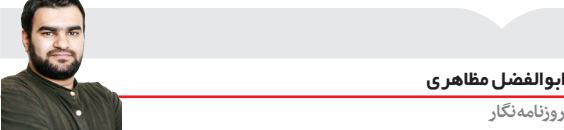




عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دیپلماسی علم و فناوری لازمه توسعه اقتصادی است



ابوالفضل مظاهری

روزنامه نگار

محمدرضا مجیدی عضو هیات علمی دانشگاه تهران و رئیس پیشین کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است که کارشناسی پیوسته علوم و معارف اسلامی را از دانشگاه امام صادق (ع) و کارشناسی ارشد و دکتری علوم سیاسی خود را از دانشگاه علوم اجتماعی تلوز فرانسه دریافت کرده است.

او که مدتی به‌عنوان سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی یونسکو فعالیت داشته، سوابق اجرایی مختلفی نظیر معاون اجتماعی و شوراهای وزیر کشور، مدیرعامل بنیاد اندیشه اسلامی، مشاور وزیر علوم در حوزه علوم انسانی و فرهنگی و معاون پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها را در کارنامه‌دارد. مجیدی در کنار چاپ‌مقالات، تالیفات و ترجمه کتب متعددی، مسئولیت فصلنامه‌های LeDebat به زبان فرانسه، فصلنامه Thought به انگلیسی و فصلنامه التوحید به عربی را هم برعهده داشته است.

این عضو هیات علمی گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران چندی پیش در دیدار رضانی اساتید دانشگاه‌ها با مقام معظم رهبری سخنرانی و نکات مختلفی را در باب دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران و برخی مسائل سیاسی روز مطرح کرد. گفت‌وگوی امروز «فرهیختگان» با این استاد برجسته به واکاوی همین نکات اختصاص یافته که در ادامه می‌خوانید.

از مباحثی که در دیدار رهبری مطرح کردید، شروع کنیم؛ چرا این مباحث را انتخاب کردید؟

در دیدار رضانی امسال اساتید دانشگاه‌ها با مقام معظم رهبری به نظر رسید در آستانه دهه پنجم انقلاب و صدور بیانیه راهبردی گام دوم، مناسب است از منظر دیگری به حوزه بین الملل انقلاب اسلامی و مسائل پیرامون آن، به فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو نگاهی داشته باشیم و با بهره‌گیری از کلیدواژه‌هایی که در این بیانیه مطرح شده است، برخی از این حوزه‌ها را مورد کنکاش و بررسی قرار دهیم. خوشبختانه همان‌گونه که محضر رهبر فرانزه انقلاب اسلامی عرض شد در این چند ماهی که از صدور این بیانیه گذشته، به صورت خودجوش و داوطلبانه و به تعبیری آتش‌باختیار دوستان جوان نسل سوم و چهارمی با همراهی اساتید و پژوهشگران نسل دومی برای تبیین این بیانیه از منظرهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و بین الملل و همچنین برای گفت‌مان سازی و فرهنگ سازی در این زمینه، در کنار فعالیت‌های آموزشی کارهای خوبی را شروع کردند.

در این فرصتی که برای بنده فراهم شد بر این بیان دیدگاه‌ها به اقتضای سوابق علمی و اجرایی و مسئولیت‌هایی که در حوزه دیپلماسی و معلمی در دانشگاه در حوزه روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای داشته‌ام، در وقت محدود اختصاص یافته‌تلاش کردم در هفت بند برخی سرفصل‌ها به اجمال مطرح شود.

نکته اول این بود که باید یک چارچوب نظری در حوزه روابط خارجی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم داشته باشیم. در این رابطه به نظریه کرامت انسانی وحی برپایه انقلاب اسلامی به‌عنوان چارچوبی برای سیاست خارجی اشاره داشتم و بر محور بیانیه گام دوم برای تقویت عزت ملی، تنظیم روابط خارجی و مرزبندی نظری و عملی با دشمن بر پایه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» این چارچوب را مورد تأکید قرار دادم. باید از فرصت‌های موجود حداکثر استفاده را ببریم و از فرصت‌سنوزی برهیز و به خلق فرصت‌های جدید اقدام کنیم. فرصت‌سازی در این شرایط خیلی مهم است. یکی از حوزه‌هایی که در چارچوب نظریه کرامت انسانی باید مورد توجه قرار گیرد، مباحث حقوق بشری مطروحه از سوی غرب است که باید با حضور فعال و موثر در نهادهای بین المللی برای تبیین گفت‌مان انقلاب اسلامی از یک‌سو و یارگیری مناسب برای مقابله با طرح‌های نظام سلطه از سوی دیگر اقدام و از هر نوع بی‌تحرکی و انفعال که تبعات منفی دارد، پرهیز کرد.

حضور موثری در فرآیند تولید اسناد بین المللی نداشته‌ایم

تأکید شد که در چند دهه گذشته کمتر توفیق داشته و حضور موثری در فرآیند تولید اسناد بین المللی نداشته‌ایم. اگر در این فرآیند حضور فعال داشته باشیم، می‌توان بسیاری از این کنوانسیون‌ها و اسنادی که تولید می‌شود و با باورها، ارزش‌ها و منافع ملی همخوان نیست را تعدیل کرد تا این‌گونه سندها تولید نشود و برای ما مشکلات ایجاد نکند و در مقابل با تأثیرگذاری مثبت اسناد مطلوب‌تری هم تولید شود. براین اساس با استفاده از تجربیات چهار دهه گذشته که کامیابی‌ها و نا کامی‌هایی داشتیم و با اتکا به پشتوانه قوی نخبران علمی و حوزوی می‌توان کارهای ژرفی کرد تا حضور موثر ایران اسلامی را در سازمان‌های بین المللی شاهد باشیم؛ این کلیت بود، ما باید با یک نگاه دیگری به فضای روابط بین الملل انقلاب و سیاست خارجی جمهوری اسلامی بنگریم و به تعبیر شاعر معاصر سهراب سپهری که می‌گوید «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید» به حوزه‌های ملی، منطقه‌ای و بین المللی نگاه کرد.

شما در دیدار اساتید درمورد شبکه‌سازی هسته‌ها و شخصیت‌های علمی تأکید داشتید. در خصوص نگاه‌تان توضیح دهید؛ چرا این امر ضرورت دارد و باید برای تحقق آن چه ملزومات و فعالیت‌هایی صورت پذیرد؟

این نکته بسیار مهمی است، در چهار دهه گذشته پیام انقلاب اسلامی در گوشه و کنار جهان شنیده شده است. برای عموم مسلمانان به‌گونه‌ای برای شیعیان، جهان‌سومی‌ها و برای غربی‌ها به‌گونه‌ای دیگر، یعنی در جهان جایی نیست که پیام انقلاب اسلامی منتقل نشده و مخاطب نداشته و نیز عمیقاً این پیام درک نشده باشد. این مخاطبان که هسته‌های پراکنده فکری، اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای در گوشه و کنار جهان شکل داده‌اند، امروز از هر زمانی نیاز به هماهنگ‌سازی دارند تا گفت‌مان انقلاب را با انسجام بیشتری دنبال کنند. محورهایی از این گفت‌مان مانند کرامت انسانی، استقلال، مقاومت و مقابله با نظام سلطه، خودباوری و... محور تلاش‌های ملت‌ها برای هویت‌یابی است و محدود به نقطه خاصی از جهان نیست. در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و حتی در کشورهای غربی این هسته‌ها و تحرکات بسیار مشهود است. باید این کانون‌های فکری در یک شبکه همدیگر را پیدا کنند و طبیعتاً این پیدا کردن‌ها و کنار یکدیگر قرار گرفتن‌ها، هم به هم‌اندیشی، هم به همصدایی و هم‌نواپی، هم به همکاری و همگرایی و مهم‌تر از همه به هم‌افزایی این توان‌ها و هسته‌های پراکنده کمک می‌کند و این شبکه‌سازی این توان‌های پراکنده را برای مقابله با نظام سلطه از یک‌سو و تبیین و ترویج گفت‌مان انقلاب اسلامی از سوی دیگر یاری خواهد کرد.

دانشگاهیان و حوزویان باید پیشگام شبکه‌سازی فکری باشند

سوالی که اینجا مطرح است این است که آیا این کار وظیفه دستگاه‌های دولتی

است یا نهادهای غیردولتی؟ بنده بر این باورم بهترین سامانه برای سازماندهی این شبکه‌سازی با سامانه غیردولتی است. البته قطعاً حوزه دولتی باید از جهت سیاسی حمایت کنند، نظارت لازم هم صورت گیرد. تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است هرچه کارها مردمی‌تر باشد، نتیجه مطلوب‌تر داشته است. دانشگاهیان و حوزویان باید پیشگام شوند، زیرا این هسته‌ها هسته‌های گفت‌مانی هستند و براین اساس بهترین مجموعه برای ساماندهی این هسته‌های گفت‌مانی مجموعه‌های علمی، فرهنگی و رسانه‌ای هستند. نخبران علمی و رسانه‌ای ما در کنار هم می‌توانند بسیار موفق عمل کنند.

با توجه به نگاه و توجه شما به عرصه بین الملل، آیا این شبکه‌سازی در جهت دیپلماسی علمی کشورمان نیز قابل بهره‌برداری است؟ به‌طور کلی ما در فضای آموزش عالی تا چه میزان به دیپلماسی علمی توجه کرده‌ایم؟ چه استفاده‌هایی می‌توانیم از این شکل دیپلماسی در مباحث علمی و همچنین در راستای سیاست انقلاب اسلامی داشته باشیم؟

به نکته بسیار مهمی اشاره کردید، در یکی از سرفصل‌ها اشاره‌ای داشتم و آن اینکه در چند دهه گذشته عمدتاً پیگیری آرمان‌های انقلاب در عرصه بین الملل و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی را رهگذار دیپلماسی دولتی و رسمی که نداشت دستگاه دیپلماسی و وزارت امور خارجه است، عمل شده، در صورتی که امروز در عرصه بین الملل اصطلاحاً بازیگران جدیدی در کنار بازیگران دولتی نقش ایفا می‌کنند که گاه به مراتب از نقش دستگاه دیپلماسی رسمی موثرتر هستند. تنوع‌سازی به ابزارهای اعمال سیاست خارجی و تأمین منافع ملی و اهداف سیاست خارجی قطعاً در شرایط امروز بین الملل ضروری است، هم در عرصه منطقه‌ای، هم در عرصه بین المللی. به این شکل از دیپلماسی که در کنار دیپلماسی رسمی دولتی عمل می‌کند «دیپلماسی مکمل» یا «دیپلماسی موازی» گفته می‌شود که هم می‌تواند شکل حاکمیتی داشته باشد مانند دیپلماسی پارلمانی یا دیپلماسی قضایی که قوه قضائیه انجام می‌دهد یا شکل غیردولتی داشته باشد که در اشکال مختلفی می‌تواند تبلور یابد. مثلاً در حوزه اقتصادی و تجاری، پارلمان‌های بخش خصوصی داریم که شامل اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران، اتاق اصناف و اتاق تعاون است که اینها می‌توانند بازیگران بسیار خوبی برای دیپلماسی تجاری، اقتصادی و مکمل دیپلماسی رسمی ما باشند.

دیپلماسی علمی یکی از لوازم توفیق در حوزه اقتصادی است

در حوزه علمی و فناوری قطعاً تعاملات علمی ما با جهان هم به لحاظ اثرگذاری هم تبدلات علمی و هم از بعد اقتصاد دانش‌بنیان، محور اقتصاد دانش‌بنیان به‌شمار می‌رود. دیپلماسی علم و فناوری یکی از لوازم توفیق مادر حوزه اقتصاد و روابط تجاری است و برای حضور در رقابت‌های علمی در جهان، داشتن چنین دیپلماسی‌ای ضروری است. کشوری که در مرزهای دانش‌های گوناگون حرکت می‌کند، نمی‌تواند برنامه‌ای برای تعاملات علمی در جهان نداشته باشد. همچنانکه مقام معظم رهبری با رها تأکید کردند انداز شاگردی و یادگرفتن و اهه‌مند داریم ولی همیشه هم نباید شاگرد ماند؛ البته در شاگردی و علم آموزی باید نگاه بومی خودمان را داشته باشیم و چشم و گوش بسته به دنبال جریان‌ات علمی در جهان حرکت نکنیم. مقوله بومی‌سازی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی ازجمله چالش‌هایی است که با آنها روبه‌رو هستیم و برای حضور موفق در تبادل‌ات علمی بین المللی و داشتن دیپلماسی قوی علمی این امر بسیار مهم است. بنابراین در حوزه دیپلماسی باید از این وضعیت خارج شده و شرایط جدیدی را به وجود بیاوریم.

دیپلماسی در گام دوم انقلاب باید تعریف جدیدی به خود بگیرد

امروز همه پدیده‌های اجتماعی پیش‌وندی با عنوان دیپلماسی انتخاب می‌کنند، کم‌اینکه دیپلماسی هم می‌خواهد از این پدیده‌ها برای تحقق اهداف و تأثیرگذاری استفاده کند. بدین ترتیب نسبت میان این پدیده‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با دیپلماسی یک تعامل دوسویه است که می‌توانند به یکدیگر کمک کنند. با توجه به رشد و جهش ایران اسلامی در دو دهه گذشته و دستاوردهای فراوان آن در حوزه تأمین نیازهای جوامع، قطعاً دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند جایگاه مهمی در روابط خارجی ما در دهه‌های پیش‌رو داشته باشد. بر این باورم در گام دوم انقلاب دیپلماسی باید تعریف جدید به خود بگیرد و شاهد متنوع‌سازی شیوه‌ها و روش‌ها باشیم.

یکی دیگر از مباحث مورد تأکید شما درخصوص بحث علوم انسانی بود، موضوعی که یکی از پرتکرارترین مطالبات رهبری از دانشگاهیان هم بوده است. روند تحول در علوم انسانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اگر جامعه‌ای بخواهد راه صلاح و پیشرفت را در پیش بگیرد، باید به علوم انسانی و اجتماعی محوریت بدهد. امروز اگر کشوری قدرتمند است، به این خاطر است که هسته مرکزی هدایت جامعه در دست علوم انسانی و علوم اجتماعی آنهاست. علوم پایه فنی مهندسی و پزشکی همه، ابزار هستند. قوه عاقله، محل تدبیر، تصمیم و تعقل، حوزه علوم انسانی است. در کشور ما با رخداد انقلاب اسلامی در چهار دهه پیش، گفت‌مان جدیدی مطرح شد.



تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب منوط به داشتن علوم انسانی درون‌زا است

علوم انسانی موجود در جهان که به تعبیری ایدئولوژی لیبرال سرمایه‌داری غرب است، با گفت‌مان انقلاب همخوان نیست؛ در نتیجه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب، استقلال ملی، تأمین عدالت و پیشرفت عدالت‌محور منوط به داشتن یک علوم انسانی درون‌زا است. البته این به مفهوم بستن دره‌ان نیست بلکه به معنای تعامل با جهان بوده و خواهد بود ولی استقلال مورد نظر انقلاب با این رویکرد محقق نمی‌شود. چندین سال است که این مطالبه رهبری است؛ اینکه باید علوم انسانی متحول شود. این تحول در علوم انسانی در سطح ملی مورد نظر است.

در سخنرانی‌تان در همین خصوص به یک جنبش بین‌المللی اشاره کردید. آغاز این حرکت از کجا بوده و این جنبش دنبال چه هدفی است؟

در عرصه بین الملل هم این تحول خواهی مشاهده می‌شود. الان در گوشه و کنار جهان اعتراض به این نوع علوم انسانی در تالش برای «علم دگر» مشاهده می‌شود. این جریان در حال شکل‌گیری و تقویت است و برخی از آن به «جنبش علم دگر» تعبیر می‌کنند. جهان‌بان درحالی که از سلطه نظام سلطه و یکجانبه‌گرایی برخی کشورهای سلطه‌گر و هژمون شاکی بوده و درصدد رهایی از این وضعیت هستند، از عقیه فکری نظام سلطه که همین علوم انسانی خلق شده در غرب است، می‌خواهند رها شوند.

درون‌زایی، محروم‌سازی خود از تجارب دیگران نیست

انقلاب اسلامی که پرچمدار استقلال و مقاومت در حوزه‌های گوناگون ازجمله در عرصه‌های علمی است، می‌تواند در این عرصه هم پیشگام و محور باشد. یکی از پیام‌های انقلاب، بازگشت به خویشتن خویش، پاسخ‌گویی به نیازها برپایه داشته‌های خود و البته استفاده از تجارب بشری است که در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است، یعنی «اجتهاد بر پایه کتاب و سنت» استفاده از علوم و فنون پیشرفته بشری و تلاش در جهت پیشبرد آنها. ما می‌گوییم درون‌زایی، محروم‌سازی خود از تجارب دیگران نیست ولی اینکه چشم بسته بگوییم علوم انسانی غربی، پیامد آن همین وضعیت نامطلوب در جوامع شرقی و اسلامی است.

گفت‌مان انقلاب اسلامی می‌تواند در عرصه علمی جهان را راهبری کند

اینکه ما در این جنبش در حال شکل‌گیری بتوانیم حضور موثر داشته باشیم، باید تولید داشته باشیم؛ تولید فکر و اندیشه، نظریه‌پردازی و فعال سازی جریان‌های آزاداندیشی. خوشبختانه ما دینی داریم که دعوای تاریخی و تعارضات را در خود ندارد. مانه دعوای علم و دین داریم، نه دعوای دین و عدالت و نه دعوای دین و آزادی. در اسلام ناب همه اینها پاسخ داده شده و اساس دین ما بر قلم و اندیشه استوار است و کتاب مجزه پیامبر ما است. بنابراین انقلاب اسلامی با چنین اصولی و چنین گفت‌مانی می‌تواند در عرصه علم جهانی راهبری و خط استقلال علمی را تعریف کند.

یکی از دغدغه‌هایی که از جانب شما در این دیدار مطرح شد، مربوط به حذف گرایش‌های رشته مطالعات منطقه‌ای بود. در این خصوص توضیح می‌دهید؟

با توجه به اینکه به نمایندگی از گروه‌های مطالعات منطقه‌ای در این نشست توفیق حضور داشتم، این نکته را مطرح کردم. متأسفانه با یک نگاه غیرکارشناسی گرایش‌های مطالعات منطقه‌ای در ارشد و دکتری حذف شده بود که اخیراً ارشد را مجدد احیا کردند ولی در دکتری حذف شده و این برای کشوری که مدعی قدرت در منطقه غرب آسیاست و می‌خواهد در معادلات جهانی تأثیر گذار باشد، خوب نیست.

نیازمند تخصص‌گرایی مطالعات منطقه‌ای هستیم

ما نیازمند تخصص‌گرایی در این رشته هستیم و بر این پایه این جمله را عرض کردم که برای تحقق برنامه‌های بین المللی انقلاب اسلامی نیازمند میدان دادن به دانش‌پژوهان و پژوهشگران و افراد مستعد و نوآور هستیم تا بتوانند نیازهای ما را در عرصه بین الملل در حوزه مناطق و روابط با کشورها پاسخ دهند و البته این باید با حلقه وصلی به سرمنزل مقصود برسد که بین حوزه تولید فکر یعنی دانشگاه و حوزه اجرا شکل بگیرد.

مسئولان وزارت علوم در تصمیم خود تجدیدنظر کنند

اشاره کردم که تأکیدات مقام معظم رهبری در سال‌های گذشته در ارتباط با پیوند صنعت نظامی و دانشگاه جواب داد، کم‌اینکه ما در این حوزه‌ها بسیار پیشرفت داریم و تولیدات کمی و کیفی بالا با خودکفایی و خوداتکایی اتفاق افتاده است. در حوزه علوم انسانی هم با توجه به تأکیدی که در زمینه تحول علوم انسانی می‌شود و تولید علوم کاربردی با همان «علم نافع» که در کنار نظریه‌پردازی است، این درخواست مطرح شد که مسئولان وزارت علوم با کمک اعضای هیأت علمی مطالعات منطقه‌ای در تصمیم خود تجدیدنظر کنند و همچنین نهادهای اجرایی هم خود را مستغنی از ارتباط با این مراکز نبینند و نیازهای خود را منعکس کنند؛ البته حوزه‌های مطالعات بین الملل و منطقه‌ای دانشگاه‌ها هم باید حرفی برای گفتن داشته باشند تا مصداق علم نافع باشند و میدان اجرایی هم این علم را اخذ و به آن عمل کنند. این دانش برای کتابخانه‌ها تولید نمی‌شود. فلسفه رشته مطالعات منطقه‌ای این بود که پل ارتباطی بین حوزه عمل و حوزه نظر برقرار باشد. کسانی که کار اجرایی در این حوزه

می‌کنند، بیایند و در دوره‌های ارشد و دکتری تحصیل کنند تا هم تجربه‌های عملی آنان به حوزه دانشگاهی منتقل شود و هم بهره‌های نظری ما به آنان منتقل شود تا در ساحت عمل با پشتوانه علمی قوی‌تر عمل کنند.

در تنظیم روابط خارجی از آسیا و همسایگان غافل بودیم

قسمتی از سخنرانی را هم به مسائل سیاسی روز و روابط خارجی با همسایگان اختصاص دادید.

بله. متأسفانه در تنظیم روابط خارجی از آسیا و همسایگان غافل بودیم. به‌عبارتی فاقد سیاست همسایگی و سیاست آسیایی بودیم. همه شنیدیم که قرن ۲۱، قرن آسیاست؛ ظاهراً غرب و به‌ویژه آمریکا از بن دندان به این باور رسیده‌اند، لذا هم برای شرق آسیا بحران‌سازی می‌کنند، هم برای غرب آسیا تا این قاره کهن نتواند تأثیرگذاری لازم را در معادلات جهانی داشته باشد. وظیفه ما چیست؟ با توجه به اینکه ما جزء استثناها در جهان هستیم که ۱۵ کشور را در همسایگی خود داریم، اگر با همین ۱۵ همسایه روابط ما درست تنظیم بشود با ۶۰۰ میلیون آن‌ها، بازارهای مختلف ما تأمین می‌شود. از سوی دیگر غرب و شرق آسیا می‌توانند مکمل هم باشند. شرق آسیا تکنولوژی و غرب آسیا انرژی دارد. انرژی شرق از غرب و تکنولوژی غرب آسیا از شرق آن تأمین شود. اگر ما سیاست آسیایی را با تأکید بر همسایگان و توام با متوازن سازی روابط پیگیری کنیم، برای اقتصاد ملی هم بسیار موثر و مفید خواهد بود. برای مقابله با هژمونی دلار که امروزه خیلی از کشورها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دلار را از اقتصاد ملی و روابط اقتصادی با سایر کشورها نجات دهند، می‌توان از ظرفیت آسیا بهره گرفته و طرح‌های گوناگون را اجرایی کرد؛ از تبادل با پول ملی تا سبد پولی آسیایی تا پول قوی آسیایی و درصورت توفیق می‌توان در همگرایی آسیایی در دهه‌های آینده حتی به پول واحد هم رسید؛ البته این زمان می‌برد، کم‌اینکه اروپا یک‌شب به اینجا نرسید، ده‌ها سال جنگ و خونریزی بود، آخر به این جمع‌بندی رسیدند برای اینکه حرفی برای گفتن در جهان داشته باشند باید کنار هم قرار بگیرند.

آسیا ظرفیت قابل استفاده‌ای برای تحقق اقتصاد مقاومتی است

برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که درون‌زا و برون‌گراست، یکی از ظرفیت‌ها آسیاست و باید رویکرد آسیایی را تقویت و رویکردهای اروپامحور را کم‌رنگ کرد. این رهایی با کنار گذاشتن واژه‌های تحمیلی مانند خاورمیانه شروع شده است. حدود ۲۰ سال پیش در ایام تحصیل در خارج از کشور استدلال کردم که ما آسیایی‌ها دلیل ندار خود را با مفاهیمی که غربی‌ها برای تأمین منافع خود خلق کرده‌اند، همراه کنیم. برای یک ایرانی خاورمیانه کجاست؟ دست راست؟ دست چپ؟ کجاست؟ برای ما اینجا آسیا است. برای کسی که در اروپا نشسته و به شرق نگاه می‌کند، ما خاورمیانه هستیم ولی آیا می‌پذیرند ما که در این منطقه هستیم، غرب را با مضامینی چون باختن نزدیک یا باختن میانه و باختن دور مخاطب قرار دهیم. با تبختر علمی‌ای که وجود داشت، قائل بودیم مسلمات روابط بین الملل را نباید زیر سوال برد. ما جواب دادیم که دکتری یعنی مجتهد و با اجتهاد علمی. به این رسیدیم که این واژه گویا نیست و باید منطقه خود را غرب آسیا بنامیم. آینده در دست آسیاست، کم‌اینکه آسیا مهد تمدن، مهد فرهنگ و ادیان بوده است. باید در گام دوم بیش از پیش به خویشتن خویش برگردیم؛ به خویشتن ایرانی، خویشتن اسلامی و خویشتن آسیایی و درگیری‌های تحمیلی ناشی از سیاست استعماری «تفرقه‌بنداز و حکومت کن» را کم کنیم و به خود برگردیم. قدرت آینده قدرت آسیاست و در غرب آسیا هم یکی از قدرت‌های محوری به طور قطع جمهوری اسلامی ایران است.

اگر در آخر صحبت با نکته‌ای هست، بفرمایید.

در سخنرانی اشاره‌ای به روز قدس و میراث امام و نامگذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به نام روز قدس داشتم. با توجه به طرح استعماری و استکباری معامله قرن، اینجا خوب است اشارهای داشته باشم که در صد سال پیش همین ایام یک طرح تحمیلی بر جهان تحمیل شد و فاجعه قرن اتفاق افتاد، با صدور اعلامیه بالفور و توافق نامه سانس پیکو (وزاری خارجه فرانسه و بریتانیا) بعد از جنگ جهانی اول که منطقه را تحت قیمومیت خود قرار دادند. از همه مهم‌تر فروپاشی عثمانی بود ولی امروزه شرایط متفاوت است.

آینده جهان اسلام به مقاومت در مقابل معامله قرن گره خورده است

۴۰ سال قبل پدیده‌ای به وجود آمد به نام انقلاب اسلامی که امواج بیداری اسلامی را شکل داد و حتی در عرصه بین الملل هم ملت‌ها را بیدار کرد، در این شرایط اجازه تکرار فاجعه قرن را تحت عنوان معامله قرن نخواهند داد. این نکته بسیار مهم است که آینده آسیا و غرب آسیا و جهان اسلام به مقاومت در مقابل این طرح‌ها گره خورده است. نظام سلطه دنبال این است که جهان اسلام را تجزیه کرده و کشورهای ذره‌ای مانند کشورهای جنوب خلیج فارس را پدید آرد تا بتوانند استیلا و هژمونی خود را حاکم کنند، زیرا کشورهای قوی و بزرگ مثل ایران، ترکیه و مصر رانمی‌توانند تحت کنترل داشته باشند و این کشورها مقابل جریان‌های امپریالیستی، استعماری، استکباری و صهیونیستی خواهند ایستاد. براین اساس قضیه فلسطین صرفاً اسلامی و قومی نیست. علاوه‌بر جنبه انسانی از منظر منافع ملی کشور هم مهم و ضروری است که با این طرح استعماری مقابله شود. خوشبختانه امواج بیداری اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی باعث شده خیلی از این طرح‌ها شکست خورده و اجازه داده نشود که کشورهای مستقل زیر یوغ و پرچم استعمار قرار گیرند.

«فرهیختگان»، تربیون رسانه‌ای گام دوم در خانواده بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی باشد

در پایان از روزنامه وزین «فرهیختگان» برای ترتیب دادن این گفت‌وگو سپاسگزارم. امیدوارم این روزنامه به‌عنوان تربیون رسانه‌ای گام دوم در خانواده بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی عمل کند و روزانه و هفتگی پل ارتباطی میان این سند راهبردی و جامعه جوان، خلاق و مبتکر دانشجو باشد و خانواده بزرگ انقلاب اسلامی را با همه سلاقی و دیدگاه‌ها در مسیر تحقق اهداف بلند گام دوم همراهی کند. همان‌گونه که خطاب رهبر فرانزه انقلاب اسلامی در این پیام تمام مردم این سرزمین از هر قوم، زبان، سلیقه و دیدگاهی هستند، ما جامعه دانشگاهی هم باید چتر فعالیت‌های خود را از این گیم و به کادرسازی از میان نوجوانان و جوانان جای جای ایران اسلامی در این چارچوب بپردازیم و اجازه ندهیم با کج‌سلیقگی و نگاه‌های محدود این منشور و مانیفست دهه‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف و به حاشیه‌رانده شود. باید کلیدواژه‌های این سند را در حوزه‌های مختلف استخراج و با برنامه‌های کوتاه و میان‌مدت در ۱۰ سال اول (دهه پنجم انقلاب اسلامی) و در چشم‌اندازی ۴۰ ساله به صورت کاملاً عملیاتی و میدانی اقدام کرد. در کنار ابعاد نظری سند و تبیین آنها در قالب علم نافع گام‌های موثر در عرصه اجرا هم برداشته شود.